نگاهی به رشد حوزه علمیه مشهد در یک قرن گذشته (قسمت دوم)

چهارشنبه‌های مطلا

انقلاب حوزه با انقلاب

مدرسه دو در در دل حرم امروز یکی از زیباترین مدارس علمیه ایران است

حسین بیات| در بخش نخست این گزارش، با موضوع تأسیس و رشد حوزه علمیه مشهد تا پایان دوره قاجار، گفتیم که حضور حضرت رضا(ع) در خراسان منشأ تحولات گوناگون، از جمله رونق بازار علم، دانش و معارف اسلامی بود. پس از شهادت آن حضرت نیز مرقد مطهر ایشان به سرچشمه پیدایش حوزه علمیه مشهد تبدیل شد؛ هرچند این حوزه اختصاصی شیعیان نبود و اهل‌سنت نیز مدارس ویژه و فعالیت‌های علمی مستقل خود را داشتند.

در بخش دوم، نگاهی داریم به سیر رشد حوزه علمیه مشهد در یک قرن گذشته. این گزارش از میان مطالب کتاب «حوزه علمیه خراسان» نوشته محمود پسندیده با مقدمه محمد واعظ‌زاده خراسانی چاپ سال ۱۳۸۵ گزینش شده است.

حوزه علمیه مشهد در دوران حکومت پهلوی اول (۱۳۲۰ - ۱۲۹۹خورشیدی.)

حوزه علمیه مشهد پس از رونق نسبی، در اواخر نیمه نخست سده چهاردهم خورشیدی، بار دیگر در زمان حکومت رضاخان دچار رکود و نابسامانی شدید شد. رضاخان که در آغاز چهره‌ای مذهبی از خود نشان می‌داد، پس از به قدرت رسیدن، ناگهان بنای مخالفت را با آداب و فرهنگ اسلامی و علمای دین گذاشت. فرمان کشف حجاب، استفاده اجباری از کلاه پهلوی و محدود کردن فعالیت روحانیان، یکی از نقشه‌های شوم رژیم پهلوی برای حمله به اسلام و تشیع بود که در مشهد با مخالفت عالمان و بزرگان حوزه علمیه مشهد روبه‌رو شد. قیام مردم در مسجد گوهرشاد (۱۳۱۴خورشیدی) پاسخ محکمی از سوی مردم و روحانیان به حکومت دیکتاتوری رضاخان بود.

آیت‌ا... شیخ حسنعلی مروارید وضعیت آن دوره را چنین توصیف می‌کند: «مدارس زیادی که مشهد داشت به جای اینکه جای اهل علم باشند، جای مأمورین ثبت شده بود. مخصوصا مدرسه میرزا جعفر که در حوالی صحن واقع بود، جای سنگ‌تراش‌ها شده بود که مثل بازار سنگ‌تراش‌ها کرده بودند و به جای مدرسه کثافت‌خانه درست کرده بودند... مدرسه فاضل‌خان، میرزا جعفر، حاج حسن و در حقیقت تمام مدارس بر اثر فشار تعطیل شده بود، فقط حوزه منحصر شده بود به مدرسه میرزا جعفر و مدرسه نواب که این‌ها هم عنوان دانشکده علوم دینی را داشت.»

بدین ترتیب، رضاخان بیشترین فشار را به حوزه‌ها وارد کرد و از هر ابزار و حیله‌ای برای تضعیف روحانیت و علمای دین استفاده کرد. طرح موذیانه «استفاده از عمامه مستلزم داشتن تصدیق دولتی است» و دیگر شایعات و القائات کینه‌توزانه حکومت رضاخان از جمله نقشه‌های شوم وی در سرکوبی علمای دین و حوزه‌های علمیه بود. آیت ا... مروارید در ادامه توصیفات خود می‌گوید: «این دوران از سخت‌ترین و تلخ‌ترین مراحل حیات حوزه مشهد بود. درب مدرسه‌ها را بستند، عمامه‌ها را برداشتند، روحانیت را خانه‌نشین کردند، حوزه‌ها را نابود کردند، علما را از مسند تدریس دین پایین آوردند، طلاب را آواره کردند. در حقیقت یک توقف علمی فاجعه‌آمیز در حوزه‌های علمیه - تقریبا در طول قریب به بیست سال- به وجود آوردند که این خلأ هنوز هم بعد از گذشت چهل، پنجاه سال محسوس است و برای اینکه روحانیت را از بین ببرند، چون طبیعت رضاخان قلدر بود، همان کار را با قلدری انجام داد.»

در راستای این سیاست‌های ضد مذهبی، بازداشت، حبس و اعدام عالمان، روحانیان و استادان مخالف سیاست‌های پهلوی آغاز شد. تعداد زیادی از آیات عظام، اندیشمندان و دانش‌پژوهان حوزه، دستگیر، زندانی و تبعید شدند. برخی از مدارس علمیه دچار تخریب و تعداد کمی نیز که اندک فعالیتی داشتند، تعطیل شدند و بدین ترتیب بار دیگر حوزه علمیه مشهد به‌واسطه تاخت و تازهای وحشیانه رژیم از هم پاشید.

حوزه علمیه مشهد در دوران حکومت محمدرضا پهلوی

با پایان یافتن حکومت پهلوی اول (۱۳۲۰خورشیدی) و روی کار آمدن محمدرضا پهلوی، گرچه او در آغاز بسیاری از اعمال زشت پدرش را به باد انتقاد گرفت و آن‌ها را مردود دانست و خود را حامی اسلام و تشیع معرفی کرد، اما دیری نپایید که پسر تاجدار نیز بنای مخالفت با اسلام و عالمان دین را گذاشت و با سیاستی ریشه‌دارتر و آراسته‌تر در صدد نابودی فرهنگ و آداب اسلامی برآمد.

در این زمان، زعامت حوزه علمیه مشهد را سه عالم بزرگ و برجسته مشهد یعنی آیت‌ا... حاج میرزا احمد کفایی به همراه آیت‌ا... سبزواری و آقا میرزا مهدی اصفهانی در دست گرفتند و با تلاش و جدیتی خستگی‌ناپذیر بار دیگر به بازسازی حوزه علمیه مشهد پرداختند. همین تلاش‌ها باعث رشد و پویایی مجدد حوزه علمیه مشهد و شکست سیاست‌ها و طرح‌های رژیم برای تضعیف روحانیت و از بین بردن فرهنگ و آداب اسلامی شد.

از سوی دیگر، در همین دوره حضرت آیت‌ا... العظمی سید محمد هادی میلانی به مشهد عزیمت کرد و به درخواست علما و فضلای حوزه در این شهر سکنی گزید. با حضور این بزرگوار در ارض اقدس، روح تازه‌ای در کالبد حوزه مشهد دمیده شد و حرکت رو به رشد آن، آهنگ تندتری به خود گرفت. رهبر شهید انقلاب، حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای، وضعیت آن روز حوزه مشهد را چنین توصیف کرده‌اند: «بنده فراموش نمی‌کنم آن وقتی که مرحوم آیت‌ا... میلانی (رضوان ا... تعالی علیه) [که حق عظیمی بر گردن این حوزه دارند و من امروز با خود فکر کردم که وظیفه دارم اسم شریف آن بزرگوار را با تجلیل و عظمت در این جا یاد کنم. این حوزه، بهره زیادی از ایشان برد] وارد شهر مشهد شدند و حوزه مشهد را با آثار علمی خودشان مزین و مباهی کردند... مرحوم آقای میلانی در شهر ماندند و حوزه مشهد رونقی پیدا کرد.»

در این دوره، در راستای سیاست‌های مزورانه رژیم پهلوی به رغم تلاش‌های گسترده عالمان و روحانیان آگاه تعداد زیادی از مدارس علمیه به بهانه‌های واهی تخریب شد. مدرسه حاج حسن، باقریه، ابدال خان، باغ رضوان، فاضل خان، مستشاریه، نو و حاج آقاجان در این سال‌ها به کلی نابود شدند. برخی دیگر از مدارس نیز که از ویرانی در امان ماندند، به علت توجه‌نکردن غیرقابل استفاده شدند. در برخی از این مدارس، طلاب به دشواری در حجره‌های نامناسب زندگی می‌کردند. مدارسی مانند پریزاد، بالاسر، دودرب، خیراتخان، میرزا جعفر، عباسقلی خان و نواب از این دسته مدارس بودند.

بنا بر آنچه گذشت، رژیم پهلوی سعی داشت در راستای سیاست‌های خود تا حد امکان تعداد مدارس علمیه را کاهش دهد و از احداث چنین مراکز علمی که کانون‌های اصلی مبارزه با حکومت به حساب می‌آمدند، جلوگیری کند. اما به رغم تمام این فشارها و محدودیت‌ها، مردم متدین مشهد با حمایت و رهبری عالمان و روحانیان آگاه در گوشه و کنار این شهر به تأسیس مدارس علمیه اقدام کردند. مرحوم حاج حسین عابدزاده بناهای چهارده‌گانه‌ای به نام چهارده معصوم علیهم‌السلام احداث کرد و مردم نیز با همکاری روحانیان، ۱۷ مدرسه علمیه در این دوره تأسیس کردند. در این مدارس با همت علما، استادان و طلاب به رغم فضای استبدادی حاکم در کنار فعالیت‌های علمی و آموزشی، مبارزات سیاسی علیه رژیم طاغوت - به‌صورت مخفیانه - انجام می‌شد، که هر روز ابعاد وسیع‌تری پیدا کرد تا سرانجام پس از سالیان متمادی تلاش، مبارزه، شکنجه و شهادت، حوزه‌های علمیه همگام با مردم به رهبری حضرت امام خمینی(ره) حکومت پهلوی را سال ۱۳۵۷ خورشیدی سرنگون کردند.

برگه‌ای که به حضور جدی روحانیون، وعاظ و طلاب در کنار دانشگاهیان و معلمان در وقایع انقلاب اشاره می‌کند. ۲۰ دی ۱۳۵۷، منبع: مرکز بررسی اسناد تاریخی

حوزه علمیه مشهد در دوران جمهوری اسلامی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی به دست توانای رهبر کبیر انقلاب اسلامی که خود از ثمرات حوزه علم و فقاهت بود، فشار و بحرانی که به علت جو اختناق و سیاست‌های رژیم پهلوی بر حوزه‌های علمیه حاکم بود، درهم شکسته شد. جوانان جویای فرهنگ و علوم اسلامی با شور و اشتیاق وصف‌ناشدنی برای آشنایی با معارف اسلامی به سوی حوزه‌های علمیه روان شدند و در این میان، حوزه علمیه مشهد هم از این اقبال عمومی بی‌نصیب نماند. با افزایش روز افزون این شوق و علاقه، مدارس جدیدی توسط مردم، عالمان و روحانیان ساخته شد. علاوه بر این بسیاری از مدارس قدیم و فرسوده مجددا مرمت و استفاده شد.

براساس پژوهش‌های انجام شده، پس از پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۷۸ - ۱۳۵۷) تقریبا ۳۰ مدرسه علمیه در شهر مشهد احداث شد که بیانگر رشد وگسترش حوزه علمیه مشهد است. افزون بر این، تعدادی از مدارس قدیمی که در رژیم پهلوی تخریب یا غیرقابل استفاده شده بودند، مانند مدارس میرزا جعفر، خیراتخان، دودرب، پریزاد و نواب به اهتمام اولیای امور حوزه ترمیم و بازسازی شدند و هم اکنون در شمار فعال‌ترین مدارس علمیه مشهد قرار دارند.

همچنین برخی از مدارس علمیه تازه تأسیس مانند مدارس آیت‌ا... خویی، میرزا جعفر، حضرت ابوالفضل(ع)، نواب، امام علی(ع) و اهل بیت(ع) از لحاظ وسعت و استفاده از معماری اصیل اسلامی، در شمار زیباترین بناهای تاریخی و مذهبی حوزه علمیه مشهد جای دارند که شمار زیادی از دانش‌پژوهان و طلاب حوزه علمیه در آن‌ها به تحصیل مشغولند. بر پایه بررسی‌ها و مطالعات میدانی، از ۴۲ مدرسه علمیه موجود در مشهد، ۳۵ مدرسه دارای فعالیت‌های آموزشی و تربیتی هستند و ۷ مدرسه باقی‌مانده فقط به عنوان اقامتگاه طلاب استفاده می‌شوند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به فرمان امام خمینی(ره)، آیت‌ا... واعظ طبسی به سمت مدیر عالی حوزه علمیه خراسان منصوب شد و در نخستین گام در سال‌های ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۲ هیئتی را به نام «هیئت بررسی امور حوزه علمیه» از میان فضلای حوزه برگزیدند. سپس سال ۱۳۷۳ برای ارتقای سطح کمی و کیفی حوزه علمیه مشهد، دستور تشکیل شورایی مرکب از فضلا، استادان و دانش‌پژوهان برجسته و متبحر حوزه علمیه مشهد به نام «شورای عالی برنامه‌ریزی و مدیریت حوزه علمیه خراسان (متشکل از ۱۰ عضو)» را صادر کردند تا با مدیریت و برنامه‌ریزی صحیح و اصولی به سامان‌دهی و پویایی این حوزه کهن‌سال و پربرکت در جهت پرورش و رشد روحانیون فاضل و عالمان و فقیهان فرزانه توجه شود و حوزه به نحو احسن بتواند پاسخگوی نیازهای آینده جامعه اسلامی باشد. تاکنون نیز اقدامات مؤثری در زمینه‌های فرهنگی، آموزشی و خدماتی انجام شده است.

مرکز مدیریت حوزه علمیه خراسان در سال ۱۳۸۴ خورشیدی این آمار را درباره تعداد طلاب و روحانیان مدارس علمیه مشهد و خراسان ارائه کرده‌اند:

۱ - تعداد طلاب و روحانیون حوزه علمیه مشهد حدود ۱۳۰۰۰ نفر.

۲ - تعداد طلاب غیر ایرانی حوزه علمیه مشهد ۲۵۰۰ نفر.

۳ - تعداد طلاب خواهر حوزه علمیه مشهد ۲۶۵۰ نفر.

۴ - تعداد تقریبی مدارس علمیه شهرستان‌های خراسان:

الف - تعداد مدارس علمیه برادران ۴۶ مدرسه.

ب - تعداد مدارس علمیه خواهران ۲۴ مدرسه.

۵ - تعداد مدارس علمیه مشهد:

الف - تعداد مدارس برادران ۴۰ مدرسه.

ب - تعداد مدارس خواهران ۱۲ مدرسه.

همچنین تعداد درخورتوجهی از طلاب و روحانیان حوزه علمیه استان خراسان و به‌ویژه مشهد به تحصیل و پژوهش به‌صورت مستقل و آزاد در این حوزه بزرگ مشغول هستند. از اقدامات ارزشمند و مهم شورای برنامه‌ریزی و مدیریت حوزه علمیه خراسان می‌توان به گزینش متمرکز طلاب اشاره کرد که باعث می‌شود افراد مستعد و دارای مراتب بالای علمی و اخلاقی وارد حوزه علمیه شوند. برگزاری گردهمایی مدیران مدارس علمیه در راستای هماهنگی بیشتر برنامه‌های آموزشی، تربیتی و بررسی مشکلات مدارس علمیه و ارائه راه‌حل‌های کاربردی برای رفع مشکلات از اقدامات اساسی و پسندیده این شوراست.

افزون بر این، اقدام‌های رفاهی که در سال‌های اخیر گسترش یافته است - از جمله یکنواخت کردن شهریه طلاب شهرستان‌ها و تأسیس سه بخش تعاونی مصرف، مسکن و صندوق قرض‌الحسنه و بیمه کردن طلاب - از فعالیت‌های مفید این شوراست. ضمن اینکه مرکز رایانه‌ای حوزه نیز در حال شکل‌گیری و تأسیس است. برگزاری امتحانات عمومی نیز از گام‌های پسندیده و مؤثر در جهت رشد کیفی و بالابردن سطح علمی و ابراز لیاقت‌های طلاب است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در حوزه علمیه مشهد همه ساله برگزار می‌شود و در سال‌های اخیر امتحان‌های مشمولین و پذیرش نیز در سطح مطلوبی به عمل آمده است.

رهبر شهید انقلاب اسلامی حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای در سخنرانی تابستان ۱۳۷۶ خورشیدی در جمع طلاب، استادان و فضلای حوزه علمیه مشهد به تحرک و پویایی این حوزه پس از انقلاب اسلامی این گونه اشاره کردند: «بحمدا... حوزه علمیه مشهد با قریب به ۱۰ هزار طلبه و مدرس، استاد، دانشور و علما و فرزانگان، امروز یک حوزه برجسته است. از حوزه زمان ما پرشورتر و پر تحرک‌تر است. امیدواریم که آینده بهتری هم در انتظار این حوزه، به خصوص تعمیر این مدارس باشد».

قسمت اول این گزارش را اینجا بخوانید

تاریخ ایران

نگاهی به کتابچه موجودی موزه سلطنتی ایران در عصر ناصری

از استخوان فیل تا اشیای ضبط شده از سارقان

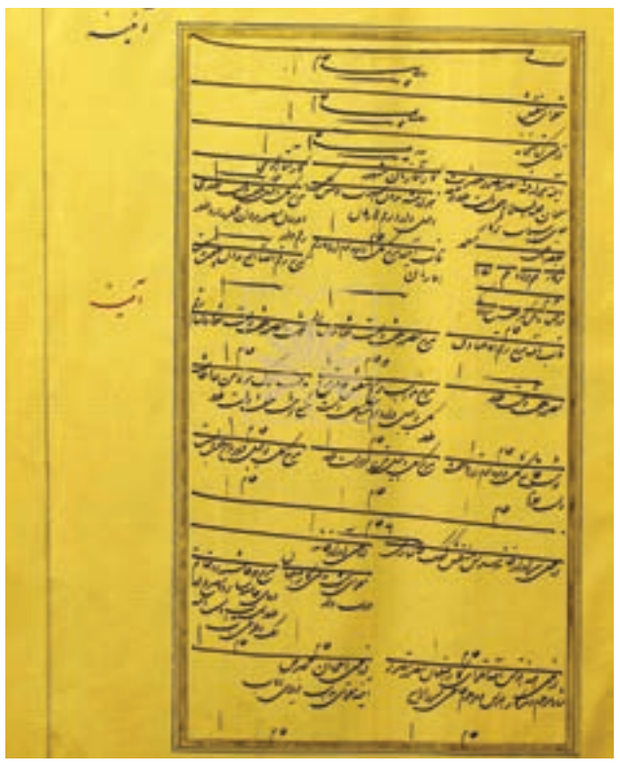

یکی از اسناد گنجینه آرشیوی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، «کتابچه اسباب موجودی در موزه سلطنتی ایران در عصر ناصرالدین‌شاه قاجار» است، سندی که تصویری دقیق از ساختار، اشیا و نظام ثبت اموال موزه سلطنتی در دوره ناصری ارائه می‌کند. این کتابچه به خط سیاق و در ۱۷۱ برگ (۳۳۵ صفحه) نگاشته شده و از مجموعه آلبوم‌های بیوتات موجود در آرشیو ملی ایران محسوب می‌شود. سند یادشده اطلاعات ارزشمندی درباره فهرست اسباب، اشیاء، جواهرات، مسکوکات و دیگر اقلام موجود در اتاق موزه عصر ناصری، در بازه زمانی سال‌های ۱۲۹۳ تا ۱۲۹۵ قمری، دربردارد.

در ابتدای کتابچه، متنی برای معرفی موزه و شرح ورود اشیا به آن آمده است که در بخشی از آن نوشته شده: اسباب موجودی در اطاق مبارکه موزه... بعد از چیدن در محل و مکان مخصوص، به‌نظر مبارک و لحاظ انور بالتمام رسیده؛ حالا بکلی موجود است، سوای کتابخانه که به‌جهت آن کتابچه دیگر نوشته شده است.

در ادامه، واحدهای شمارش و دسته‌بندی اشیای موزه همراه با تعداد آن‌ها در صفحه نخست ثبت شده که از جمله آن‌ها می‌توان به «بسته»، «تخته»، «پاکت»، «ثوب»، «جام»، «جعبه»، «جلد»، «حلقه»، «ورق»، «قطعه» و «قبضه» اشاره کرد.

اشیای ثبت‌شده در این موزه، تنوع گسترده‌ای از اقلام را دربرمی‌گیرد. برای تسهیل درک محتوای کتابچه، نام فارسی اشیا در دو سوی صفحات و به ترتیب حروف الفبا تنظیم شده است. همچنین اسباب اصلی با رنگ نیلی و زیرمجموعه‌ها با رنگ شنگرفِ سرخ نوشته شده‌اند. از جمله ویژگی‌های هنری و نسخه‌شناختی این سند می‌توان به جدول‌بندی با خطوط نیلی و طلایی، استفاده از کاغذ اعلا، جلد قرمز با حواشی مطلا و نیز کاربرد هم‌زمان خطوط تحریری و سیاقی اشاره کرد.

فهرست اشیای موزه با حرف «الف» و عنوان «آیینه» آغاز می‌شود و در ادامه، اقلامی چون اسطرلاب، استخوان، احجار گوناگون و مجموعه متنوعی از سلاح‌ها شامل انواع تفنگ، شمشیر، قداره، قمه، چاقو، تبرزین، کلاه‌خود، تیر و کمان ثبت شده است. این فهرست در پایان با مدخلی با عنوان «هزارپیشه» خاتمه می‌یابد.

در میان اقلام ثبت‌شده، نمونه‌هایی کم‌نظیر نیز دیده می‌شود؛ از جمله استخوان فیل و نهنگ، دندان کامل حیوانی ناشناخته، شاخ آهوی خُتن، ناخن قراقوش (قوش سیاه)، شاخ شوکا و آهو، سنگ یافت‌شده توسط ناصرالدین‌شاه در جاجرود و سنگ‌ریزه‌های گردآوری‌شده به دست او از سواحل دریای خزر.

پوست پلنگ شکارشده به دست ناصرالدین‌شاه، هدایای پادشاهان اروپایی به وی، نقشه‌های اروپا و نشان‌های ایران و دیگر کشورها نیز از دیگر اشیای ثبت‌شده در این کتابچه است.

بخشی از موجودی موزه به اشیای ضبط‌شده از سارقان اختصاص دارد و در دو برگ پایانی نیز اشیایی ثبت شده که پس از تنظیم کتابچه وارد موزه شده‌اند.

***مطلب فوق از مجموعه «در قاب یک سند» برداشته شده است. این مجموعه با هدف معرفی و بازشناسی اسناد مهم، قدیمی و گاه مغفول‌مانده در گنجینه آرشیوی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران طراحی شده است و در هر نوبت یکی از اسناد شاخص آرشیوی معرفی و زمینه‌های تاریخی، اداری و حقوقی مرتبط با آن برای مخاطبان تبیین می‌شود. لازم به ذکر است که «کتابچه اسباب موجودی در موزه سلطنتی ایران در عصر ناصرالدین‌شاه قاجار» با شناسه ۲۹۵-۰۰۷۱۸۴ در آرشیو ملی ایران نگهداری می‌شود.**

تاریخدان

ویکتورهوگو و پروژه نجات کلیسای نوتردام

گروه تاریخ و هویت| کلیسای جامع نوتردام پاریس در منطقه چهارم در مرکز پاریس واقع شده‌است. در محلی که هم‌اکنون این کلیسا قرار دارد تا پیش از قرن ۴ میلادی معبدی غیرمسیحی وجود داشته، اما در قرن ۴ کلیسایی بزرگ جای آن معبد را گرفت. این ساختمان تا قرن ۱۲ بر جای بود، ولی در آن زمان جمعیت پاریس به‌طور ناگهانی بالا رفت و تصمیم گرفته شد تا کلیسا را بزرگ کنند. به این ترتیب، ساختمان قبلی را خراب کردند و در سال ۱۱۶۳ میلادی ساخت ساختمان جدید شروع شد که تقریبا دو قرن طول کشید و در ۱۳۴۵ میلادی به پایان رسید. این کلیسا تا مدتی طولانی، بزرگ‌ترین کلیسای اروپا بود و علاوه بر این، زیباترین اثر در معماری گوتیک است. برای تزیین داخل و خارج آن صدها مجسمه کوچک و بزرگ از سنگ یا چوب تراشیده‌اند. این کلیسا همچنین یکی از بزرگ‌ترین ناقوس‌های جهان با وزن ۱۳ تن را دارد که فقط چندبار در سال نواخته می‌شود، مانند سالروز پایان جنگ جهانی اول. جالب است بدانید که این کلیسا اگرچه اکنون یک مکان تاریخی است و سالانه بازدیدکنندگان زیادی از سراسر جهان دارد، اما در دورانی در سکوت و انزوا به سر می‌برد و زمانی دوباره به شکوه گذشته بازگشت که ویکتورهوگو، نویسنده معروف فرانسوی، یکی از معروف‌ترین رمان‌هایش یعنی گوژپشت نوتردام را با الهام از این کلیسا و فضای آن نوشت. در واقع ویکتورهوگو بود که سبب نجات و رونق دوباره این کلیسا شد.